**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه101– 22/ 8/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه مباحث:

در جلسه گذشته کلام مرحوم تستری مورد نقد استاد قرار گرفت و استاد معظم استشهاد شیخ طوسی8 به روایت فاطمه بنت قیس را صحیح دانستند. در ادامه جلسه استاد معظم نظرات برخی از فقهای متأخر را در رابطه با فقره «**الّا ان یأتین بفاحشة مبینة**» بیان کردند. در این جلسه نیز نظر بعض از فقهای دیگر در این رابطه بیان خواهد شد. ایشان در ادامه نظر خود را در رابطه با فقره «**الّا ان یأتین بفاحشة مبینة**» بیان خواهند نمود.

**اقوال سایر فقهاء در مورد آیه اول سوره طلاق**

در جلسه گذشته اقوال بعض فقهاء در رابطه با فقره «**الّا ان یاتین بفاحشة مبیّنة**» بیان شد. در این جلسه نیز، اقوال دیگری از فقهاء بیان می‌گردد. علامه8 در کتاب مختلف، قول ابن جنید8 را چنین نقل می‌کند:

«و قال ابن الجنید: و لا تخرج من منزل زوجها إلّا أن تأتی بالفاحشة المبینة، و هو الزنا و نحوه».[[1]](#footnote-1)

این عبارت دو ابهام دارد؛ ابهام اول اینکه مراد از «**و نحوه**» چیست؟ آیا امور جنسی دیگر، مانند مساحقه و ... و یا مقدمات زنا و یا **ما یوجب الحدّ** اراده شده است؟ اگر **ما یوجب الحدّ** اراده شده باشد، آیا **ما یوجب الحدّ** موجب سقوط حق سکناست یا حق سکنی را اسقاط نمی‌کند؟

علامه8 در کتاب مختلف در این مسئله توقف نموده، چنین می‌فرماید:

و الاحتجاج بالآیة ضعیف، و کذا بالروایتین، لأنّهما مقطوعتان، فنحن فی هذا من المتوقّفین[[2]](#footnote-2).

کلمه **مقطوعة** به معنای **مرسله** است.

محقق اردبیلی8 در زبدة البیان استدلال جدید و قابل توجهی را مطرح فرموده‌اند. عبارت ایشان چنین است:

قیل هی [الفاحشة] أن تبذو علی الزوج و تؤذیه و تؤذی أهله و حینئذ یجوز الإخراج بهذا النصّ، و الضرر المنفیّ عقلا و نقلا[[3]](#footnote-3)

طبق بیان ایشان گویا «**لا ضرر**» بر ادله وجوب اسکان حاکم است.

در کتاب تفسیر شاهی جلد 2 صفحه 391، تعبیر «**فاحشة مبیّنة**» به «گناه کبیره ظاهره» معنا شده است[[4]](#footnote-4)؛ چون فاحشه به معنای **ما اشتدّ قبحه** است. بنده این معنی را در کتاب دیگری ندیدم. اما در همان کتاب صفحه 418 چنین می‌خوانیم: «و مراد از (فاحشة مبینه) ایذاء و دشنام مطلقات است اهل ازواج را. یا مراد زنا است چنانکه متبادر است‏». گویا به نظر ایشان در لغت به معنای گناه کبیره است اما در اینجا گناه کبیره خاصی اراده شده است. مصحّح تفسیر شاهی، میرزا ولی الله اشراقی سرابی در حاشیه‌ای جالب می‌گوید:

«دعوی تبادر زناء از فاحشه مبینة خالی از وجه است زیرا که استعمال فاحشه در بعضی از موارد در زنا دلیل تبادری که علامت وضع[[5]](#footnote-5) است نمی‏شود بلکه مراد از آن اعمال و رفتار قبیحه است و آن عبارت از بدرفتاری

مطلقه است. با اهل خانه و ناراحتی خانواده شوهر است از افعال آن و این گونه رفتار موجب شدت عداوت منافی حکمت ابقاء آن در خانه زوج در ایام عده است.[[6]](#footnote-6)»

ایشان در این عبارت همان معنایی را که ما بیان می‌کردیم، تبیین نموده‌اند. گویا کلمه فاحشه به معنای اعمال و رفتار قبیحه است و به تناسب حکم و موضوع، رفتار قبیحه در مورد سکنی، رفتاریست که آرامش خانه را از بین ببرد. همچنین گویا ابقاء زن در خانه به سبب ایجاد یک نوع التیام و آرامش در خانه است که زمینه بازگشت فراهم شود اما اگر ابقاء او زمینه بازگشت را از بین ببرد، با حکمت ابقاء منافات خواهد داشت.

در ادامه کلمات فقهاء دیگر به صورت فهرست‌وار ذکر می‌شود و تنها برخی از نکات بیان می‌گردد:

· نهایه المرام جلد 2 صفحه 119

· مسالک الافهام فاضل جواد جلد 4 صفحه 32. عبارت ایشان در ادامه چنین است: «و قیل: الفاحشة کلّ معصیة للّه ظاهرة و هذا أقرب الی الظّاهر إلّا أنّ العامل بها من أصحابنا قلیل.[[7]](#footnote-7)» از این عبارت استفاده می‌شود که برخی از اصحاب کلمه فاحشه را به معنای «**کلّ معصیة ظاهرة**» دانسته‌اند. ما سابقا بیان نمودیم که عبارت تبیان بر این معنا دلالت می‌کند.

· روضه المتقین جلد 9 صفحه 45

· تعلیقات آقا جمال بر شرح لمعه صفحه 408

· کشف اللثام جلد 8 صفحه 164

· الحدائق الناظره جلد 25 صفحه 525

· الانوار اللوامع جلد 10 القسم الثانی صفحه 189

· الانوار الفقاهه کتاب الطلاق صفحه 69

· کتاب الطلاق صفحه 69

· جواهر الکلام جلد 32 صفحه 333

· تکمله عروه الوثقی جلد 1 صفحه 117

· جامع المدارک جلد 4 صفحه 577

· نظام الطلاق فی الشریعه الاسلامیه الغراء صفحه 329

· مبانی منهاج الصالحین جلد 10 صفحه 455

· فقه الصادق7 جلد 23 صفحه 61

عبارتی در شرح لمعه وجود دارد که مشتمل بر نکته خوبی است. شهید اول8 در لمعه چنین می‌فرماید: «وَ یَحْرُمُ عَلَیْهِ الْإِخْرَاجُ إِلَّا أَنْ تَأْتِیَ بِفَاحِشَةٍ یَجِبُ بِهَا الْحَدُّ أَوْ تُؤْذِیَ أَهْلَهُ[[8]](#footnote-8)». شهید ثانی8 در شرح این عبارت می‌فرماید: «و اعلم أن تفسیر الفاحشة فی العبارة بالأول هو ظاهر الآیة. و مدلولها لغة ما هو أعم منه، و أما الثانی ففیه روایتان مرسلتان و الآیة غیر ظاهرة فیه، لکنه مشهور بین الأصحاب، و تردد فی المختلف لما ذکرناه و له وجه[[9]](#footnote-9)». شهید ثانی8 در کتاب ارشاد ذیل تعبیر «**الّا ان یأتین بفاحشه مبیّنه**» چنین حاشیه زده‌اند: «**و هی توجب الحدّ**[[10]](#footnote-10)» گویا در نظر ایشان مراد از فاحشه «**ما یوجب الحدّ**» است. لکن این سوال

مطرح می‌شود که چگونه ممکن است ظاهر آیه «**ما یوجب الحدّ**» باشد اما مدلول لغوی آن اعم باشد؟ ایشان در کتاب مسالک در توضیح عبارت شرح لمعه چنین می‌فرماید: «**و قد اختلف فی تفسیر الفاحشة، فقیل: هی أن تفعل ما تستحقّ فیه الحدّ کالزنا. و هو الظاهر من إطلاق الفاحشة عرفا**[[11]](#footnote-11)». گویا این عبارت یک معنای لغوی (معنای اعم) و یک معنای عرفی (**ما یوجب الحدّ**) دارد که باید آیه را بر معنای عرفی آن حمل کرد. بعد از ایشان مرحوم فاضل سبزواری8 در کفایه الاحکام جلد 2 صفحه 372 به این نکته اشاره نموده‌اند کما اینکه در مفاتیح الشرائع جلد 2 صفحه 353 و ریاض المسائل جلد 12 صفحه 340 به این مطلب اشاره شده است. اما در کشف اللثام از این معنی ترقی شده و چنین آمده است: «**و هو مناسب لمعناها اللغویّ و العرفیّ**[[12]](#footnote-12)»؛ یعنی هم معنای لغوی و هم معنای عرفی آن **ما یوجب الحدّ** است.

لکن به نظر می‌رسد معنای لغوی آن به هیچ وجه به معنای «**ما یوجب الحدّ**» نیست کما اینکه معنای عرفی و متبادر از آن هم نمی‌تواند این معنا باشد. بلی اینکه برخی گفته‌اند معنای عرفی فاحشه، زنا یا مسائل جنسی (اعم از زنا و مساحقه و ..) است وجهی دارد اما اینکه فاحشه به معنای «**ما یوجب الحدّ**» باشد بلا وجه است. ایشان در بخش دیگری از کتاب مسالک در ذیل آیه ﴿لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَیْتُمُوهُنَّ إِلّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ[[13]](#footnote-13)﴾ عبارت دیگری دارند که جمع آن عبارت با عبارت ایشان در ما نحن فیه راحت نیست. عبارت ایشان چنین است:

**«و اختلف فی الفاحشة المستثناة بسببها، فقیل:هی الزنا، و قیل: ما یوجب الحدّ مطلقا، و قیل: کلّ معصیة. و کون الحکم علی خلاف الأصل ینبغی معه الاقتصار علی محلّ الوفاق و هو الأول، لأنه ثابت علی جمیع الأقوال»**[[14]](#footnote-14)**.**

این تعبیر در هر دو آیه یکسان است و فرقی بین آنها نیست. بلی می‌توان این دو تعبیر را چنین جمع نمود که خارج کردن زن از خانه به سبب ضرورت و به جهت اجرای حد زنا است. لکن این جمع صحیح نیست زیرا ظاهر عبارت ایشان این است که حق سکنی ساقط می‌شود چنانکه این مفاد صریح کلام ابن ادریس8 می‌باشد.

عبارت بعض فقهای معاصر، همانند آقای سیستانی در مسائل منتخبه مبهم است. عبارت ایشان در صفحه 423 چنین است: «**إلّا ان تأتی بفاحشة مبیّنة و ابرزها الزنا**» ایشان توضیحی در رابطه با ضابطه فاحشه مبینه نداده‌اند.

آقای سید محمد سعید حکیم می‌فرمایند: «و الأحوط وجوبا الاقتصار فی الفاحشة المبینة علی القبیح من القول و الفعل مما یتعلق بالجنس.[[15]](#footnote-15)» لکن مراد ایشان از «**مما یتعلق بالجنس**» روشن نیست و محتمل است که ایشان مسائل جنسی را اراده کرده باشند.

**نظر استاد در رابطه با «فاحشه مبیّنه»**

به نظر ما ظاهر آیه و لا اقلّ قدر متیقن آیه، گناهانی است که سکنای در خانه را با مشکل مواجه کند. استدلال محقق اردبیلی8 به «**لا ضرر**» استدلال قابل توجهی است که بر مدعای ما دلالت دارد. بنده به استدلال ایشان این مطلب را اضافه می‌کنم که ممکن است در موارد حرجی، به **لا حرج** نیز تمسک کرد مگر

آنکه گفته شود «**لا تخرجوهن**» نهی است و «**لا حرج**» در نواهی نافع نیست. لکن ما با غضّ نظر از **لا حرج** می‌گوییم ظاهر آیه و یا قدر متیقن آیه، گناهانی است که زندگی متعارف را مختل سازد و همانطور که ابن حمزه8 در وسیله فرموده بود اگر زن مقصر باشد، او از خانه خارج می‌شود و اگر خویشاوندان مقصر باشند، آنها از خانه خارج می‌گردند. خروج زن از خانه برای ضرورت و اجرای حدّ اگرچه جایز است، اما آیه ناظر به آن نیست. مطلبی که در حاشیه تفسیر شاهی بیان شده بود و همچنین قول ابن عباس و روایات مربوط به فاطمه بنت قیس[[16]](#footnote-16) نیز مؤید نظر ماست. با توجه به مجموع این امور و ضمیمه آنها به یکدیگر، مدعای ما ثابت می‌شود.

نکته دیگری که در مقام وجود دارد این مسئله است که آیا «**لا تخرجوهن**» ناظر به حق سکنی است یا یک حکم شرعی است؟ در جلسات گذشته به این بحث اشاره شد و ما در جلسات آینده آن را تکمیل خواهیم کرد. در جلسات آینده عرض خواهیم کرد که ممکن است گفته شود زن حق خروج و مرد حق اخراج ندارد و این حکم با توافق هر دو آنها نیز ساقط نمی‌گردد. در مقابل ممکن است گفته شود با توافق هر دو حق سکنی ساقط می‌شود. این بحث از قدیم در کلمات فقهاء و مفسرین بیان شده است و ما در جلسه آینده این بحث را بررسی خواهیم نمود.

اگر ما قائل شویم که مراد از این آیه شریفه حق است نه حکمی شرعی، در این صورت زن و شوهر هر یک بر دیگری حق خواهند داشت و عبارت «**الّا أن یأتین بفاحشة مبینة**» ارتباطی به حق سکنی نخواهد داشت بلکه زن به جهت ضرورت (اقامه حدّ) از خانه خارج می‌شود. ما عرض کردیم که قدر متیقن آیه، این مطلب است و طبق نقل مجمع البیان روایات بسیاری این مطلب را تأیید می‌کند. آن روایات اگر چه مربوط به بذاء است اما طبق بیان شیخ حسن کاشف الغطاء8 در انوار الفقاهه می‌توان از آنها القاء خصوصیت کرد و شامل همه گناهانی که آرامش خانه را از بین می‌برد، دانست.

مسئله دیگری که باید به آن پرداخت این است که مراد از «**بیوتهن**» چیست؟ مراد از **بیوتهن**، قطعا خانه‌های مملوک زنان نیست؛ زیرا فاحشه مبیّنه موجب از بین رفتن ملکیت و یا حق استفاده از ملک نمی‌شود. در کلمات فقهاء و مفسرین نکاتی وجود دارد که در جلسه آینده بیان خواهد شد.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ج7، ص: 474 [↑](#footnote-ref-1)
2. همان [↑](#footnote-ref-2)
3. زبدة البيان في أحكام القرآن، ص: 583 [↑](#footnote-ref-3)
4. آيات الأحكام، ج‏2، ص: 390 مراد از (فاحشة) گناه كبيره است‏. [↑](#footnote-ref-4)
5. مراد آنها از تبادر، تبادری نیست که علامت وضع است بلکه به معنای ظهور کلام است. اینکه در بعض موارد کلمه فاحشه در معنای زنا به کار رفته به دلیل وجود الف و لام عهد است که اشاره به فاحشه معهود دارد. [↑](#footnote-ref-5)
6. آيات الأحكام، ج‏2، ص: 418 [↑](#footnote-ref-6)
7. مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام، ج4، ص: 33 [↑](#footnote-ref-7)
8. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، ص: 196 [↑](#footnote-ref-8)
9. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، ج6، ص: 77 [↑](#footnote-ref-9)
10. حاشية الإرشاد، ج3، ص: 249 [↑](#footnote-ref-10)
11. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج9، ص: 315 [↑](#footnote-ref-11)
12. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج8، ص: 164 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره نساء آیه 19 [↑](#footnote-ref-13)
14. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج9، ص: 421 [↑](#footnote-ref-14)
15. منهاج الصالحين (للسيد محمد سعيد)، ج3، ص: 96 [↑](#footnote-ref-15)
16. در قضیه فاطمه بنت قیس، این مسئله مفروغعنه تلقی شده بود که به سبب بذاء میتوان زن را از خانه خارج کرد. [↑](#footnote-ref-16)